



سیستم‌های مالی اسلامی

مأخذ: Finance and Development

نویسنده: ضمیر اقبال، اقتصاددان پاکستانی و عضو ارشد بخش خدمات اطلاعاتی بانک جهانی
مترجم: حمید محمد میرزایی

است نوین که در نیمه دهه ۱۹۸۰ پدید آمده است. در واقع، تمامی مراجع قبلی که در زمینه بازرگانی یا تجارت فعالیت می‌کردند، از اصول اسلامی تحت پوشش «بدون بهره» یا «بانکداری اسلامی» پیروی کرده‌اند. گرچه توصیف سیستم مالی اسلامی تحت عنوان «بدون بهره» تصویر صحیحی از کل سیستم را منعکس نمی‌کند، اما باید تأکید کرد که بدون شک ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره، نکته اصلی این سیستم را تشکیل می‌دهد و سایر اصول دکنترین اسلام نیز این امر را پشتیبانی می‌کنند که شامل مشارکت در ریسک، حقوق و وظایف فردی، حقوق مالکیت و احترام به اجرای مضامین قراردادها می‌باشد.

بدیهی است که سیستم مالی اسلامی محدود به بانکداری نیست، بلکه تشکیل سرمایه، بازارهای سرمایه و انواع واسطه‌گری‌های مالی را نیز دربرمی‌گیرد.

البته ممکن است یاد کردن از این سیستم به عنوان «سیستم بدون بهره» باعث انحراف و گمراهی از معنی واقعی آن شود. به عبارت دیگر، فلسفه سیستم مالی اسلامی تنها به ارتباط عوامل تولید و رفتار اقتصادی محدود نمی‌شود و درحالی‌که سیستم‌های مرسوم مالی برجسته‌های اقتصادی و مالی تمرکز دارند، سیستم مالی اسلامی بر روی مسایل اخلاقی، رفتاری، ابعاد اجتماعی و مذهبی نیز تأکید مشابهی دارد تا جامعه از برابری و وضعیت مناسب در سطح عموم برخوردار شود. بنابراین، این سیستم وقتی به طور کامل شناخته می‌شود که آموزش‌های اسلامی در زمینه اخلاقی، توزیع ثروت، عدالت اجتماعی و نقش دولت و کار نیز ارایه شده باشند. در سیستم‌های اسلامی پرداخت و یا دریافت هرگونه

مالیه اسلامی به عنوان جزئی از بخش مالی، در جهان اسلام به سرعت رشد کرده است. مالیه اسلامی محدود به کشورهای اسلامی نیست، بلکه در هر کجا که جامعه مسلمانان تمرکز یافته، وجود دارد.

رشد مالیه اسلامی در وهله اول با مازاد حساب جاری کشورهای صادرکننده نفت همزمان شد، ولی ادامه رشد آن در شرایط کاهش درآمدهای نفتی نشان می‌دهد که سایر عوامل از قبیل تمایل به استقرار سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برپایه اصول و ماهیت اسلامی نیز در این امر دخیل بوده‌اند.

بدیهی است که اعمال اصلاحات اقتصادی و ایجاد تحولات ساختاری در سیستم‌های مالی همراه با آزادسازی، نقل و انتقال سرمایه، خصوصی سازی و همگرایی بازارهای مالی جهانی مسیر را برای توسعه مالیه اسلامی هموار کرده‌اند.

مالیه اسلامی چیست؟

مالیه اسلامی به طور عمده در قرون میانه در سراسر جهان اسلام تجربه شده است و فعالیت‌های تجاری و بازرگانی با توسعه روش‌های تأمین اعتبار به عنوان محور اصلی این تجربه شناخته می‌شوند. در مناطق مدیترانه، بالتیک و اسپانیا تجار مسلمان واسطه‌های بلامنازح این فعالیت‌های تجاری بوده‌اند. درحقیقت، تجار و تأمین‌کنندگان منابع مالی اروپایی بعدها مفاهیم، تکنیک‌ها و ابزارهای بیشتری از مالیه اسلامی را از مسلمانان کسب کرده‌اند.

با وجود این، مفهوم «سیستم مالی اسلامی» امری

○ مسأله اسلامی به عنوان جزئی از بخش مالی در جهان اسلام به سرعت رشد کرده است.

○ مسأله اسلامی محدود به کشورهای اسلامی نیست، بلکه در هر کجا که مسلمانان حضور داشته باشند، وجود دارد.



سرمایه‌گذاری براساس مشارکت برابر پذیرفته می‌شود. چنین سیستم‌هایی تا زمانی پایدار خواهند بود که وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌ها به صورت متقارن و در راستا و چارچوب مشارکت در سود قرار گرفته باشد. بدین ترتیب، هیچ هزینه بهره ثابتی ایجاد نمی‌شود و تأمین مالی مجدد برای بدهی‌ها ممکن نخواهد بود. به علاوه، براساس بهره‌وری و نرخ بازده انتظاری، فرصت‌های جانشینی سرمایه‌گذاری به‌طور مستقیم پدید خواهد آمد که موجب تخصیص بهینه خواهد شد. متعهد نیز برای بدست آوردن عاملیت عرضه سرمایه مالی رقابت می‌کند و در پی آن در بکارگیری تیم‌های مدیریتی در پروژه‌ها دقت خواهد داشت. بدیهی است که این امور به نوبه خود موجب تشویق کارگزاری می‌شوند.

نرخ بازگشت (بازده) تضمین شده از قبل مطلقاً ممنوع می‌باشد. این امر راه را بر مفهوم بهره مسدود می‌کند و مانعی برای استفاده از ابزارهای متکی بر بدهی خواهد بود. این سیستم مشارکت در ریسک را تشویق کرده، تعهد سپاری را توسعه می‌دهد، سفته بازی را محدود می‌کند و بر رعایت مفاد قراردادها تأکید می‌ورزد (به توضیح شماره یک مراجعه کنید).

رویه‌رفته، انتظار می‌رود که یک سیستم مالی اسلامی پایدار باشد، زیرا تأمین مالی از طریق قرض را حذف کرده و کارایی تخصیص را در برخواهد داشت. یک مدل «دو وجهی» برای مداخله مالی اسلامی پیشنهاد شده است که طی آن سپرده‌های تقاضا به میزان ۱۰۰ درصد از طریق ذخایر برگشت داده می‌شوند و سپرده‌های

توضیح شماره یک

اصول سیستم مالیه اسلامی

چارچوب اصلی یک سیستم مالیه اسلامی را مجموعه منتخبی از قوانین و مقررات تشکیل می‌دهد که مرجع آن شریعت است و جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع اسلامی را اداره می‌کند. شریعت ریشه در قوانینی دارد که به واسطه قرآن و تعلیمات آن و سنت پیامبر اسلام (ص) ابلاغ شده است. جزئیات بیشتر قوانین هم از سوی علمای فقه و اساس چارچوب کتاب (قرآن) و سنت^۱ ارایه شده است.

اصول اساسی سیستم مالیه اسلامی به‌طور خلاصه به شرح زیر می‌باشد:
ممنوعیت بهره: ممنوعیت ربا به معنای هر چیز «اضافی» و هرگونه افزایش ناعادلانه سرمایه در جریان فروش یا قرض است. این تعریف از اصول این سیستم بشمار می‌رود. به عبارت دیگر، به هرگونه نرخ مثبت ثابت از قبل تعیین شده‌ای که در قرارداد به علاوه اصل سرمایه تعهد می‌شود، ربا گفته می‌شود و دریافت یا پرداخت آن حرام است. اجماع بین علمای اسلام بیان می‌دارد که ربا نه تنها نزول‌خواهی بشمار می‌رود، بلکه بر اساس مباحث انجام شده پرداخت بهره را هم در بردارد.

حرمت ربا براساس مباحثی در خصوص عدالت اجتماعی، برابری و حقوق مالکیت است. اسلام کسب سود را تشویق کرده، ولی پرداخت بهره را حرام دانسته، زیرا سود حاکی از انجام فعالیت‌های موفق و خلق ثروت بیشتر است، در حالیکه بهره عامل بروز هزینه‌ای است که بدون ارتباط با درآمد عملیاتی یک بنگاه پدید آمده و نه تنها ممکن است ایجادکننده ثروت نباشد، بلکه موجب از دست رفتن ثروت در جریان فعالیت اقتصادی خواهد شد.

تحقق عدالت اجتماعی مستلزم آن است که وام‌گیرندگان و اعطاکنندگان وام در منافع و مضار به صورت برابر شریک باشند و علاوه بر این، روند تجمیع و توزیع ثروت در اقتصاد، باید سالم و بی‌انگیز بهره‌وری صحیح باشد. مشارکت در ریسک: از آنجا که بهره حرام است، عرضه‌کنندگان منابع مالی به‌جای اینکه سرمایه‌گذار باشند، وام‌دهنده خواهند شد. اعطاکننده سرمایه مالی و متعهد نیز در ریسک و سهم سود فعالیت اقتصادی با هم شریک هستند.

پول به عنوان سرمایه بالقوه: پول فقط وقتی یک سرمایه حقیقی است که در کنار سایر منابع در فعالیت تولیدی به کار گرفته شود. اسلام ارزش پول را فقط زمانی پذیرفته است که به عنوان سرمایه عمل می‌کند، نه وقتی که سرمایه بالقوه است.

ممنوعیت رفتار احتکارآمیز: در سیستم مالیه اسلامی، احتکار منع شده و معاملاتی که عدم اطمینان، قمار و ریسک زیادی دارند، ممنوع شده‌اند.

حرمت قراردادها: اسلام الزام به قراردادها و آشکارسازی اطلاعات را یک عمل پسندیده می‌داند و استنباط می‌شود که در صدد است تا ریسک عدم تناسب اطلاعات و سوء استفاده‌های اخلاقی در این زمینه را کاهش دهد. فعالیت‌های مورد تأیید شریعت: تنها آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی و تجاری که با قوانین شریعت در تناقض نیستند، برای سرمایه‌گذاری مناسب بشمار می‌روند. برای مثال، فعالیت‌هایی مانند تولید الکل، قمار و برپا کردن کازینو حرام هستند.

○ پول فقط وقتی یک سرمایه حقیقی است که در کنار سایر منابع در فعالیت تولیدی به کار گرفته شود.

○ بی‌سازگاری‌های تخصصی اسلامی اساساً موقعیت خوبی برای جذب سپرده‌های مسلمانان دارند.



ابزارهای اساسی

بازارهای اسلامی برای جلب رضایت اعطاکنندگان و متقاضیان منابع از طرق مختلف ابزارهای متفاوتی را برای فروش، تجارت، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری ارائه می‌کنند (به توضیح شماره دو مراجعه کنید).

ابزارهای اساسی شامل تأمین مالی (مراجعه)، مشارکت در سود (مضاربه)، اجاره، مشارکت و پیش‌فروش می‌باشند. این ابزارها چارچوب اصلی برای توسعه یک سری ابزارهای مالی پیچیده‌تر را تشکیل می‌دهند و پتانسیلی قوی برای نوآوری مالی و توسعه در بازارهای مالی اسلامی را بوجود می‌آورند.

بانکداری مرسوم سابق رواج دارد. بانکداری اسلامی در حال حاضر از دو طریق اجرا می‌شود: بانک‌های تخصصی اسلامی، یا خدمات بانکی اسلامی از سوی بانک‌های متعارف^۳. بانک‌های تخصصی اسلامی به صورت بانک‌های تجاری و سرمایه‌گذاری می‌باشند که چارچوب آن‌ها به طور کامل بر اساس اصول و ابزارهای اسلامی بنا شده است. بانک‌های اسلامی دارای تسهیلات خاصی هستند که از طریق سایر بانک‌ها (غیر اسلامی) به مسلمانانی که مایل به استفاده از سیستم اسلامی هستند، خدمات ارائه می‌دهند.

رو به رفته، بانک‌های تخصصی اسلامی موقعیت

توضیح شماره دو

ابزارهای مالیه اسلامی

مراجعه: برخی از معروفترین ابزارها در بازارهای مالیه اسلامی تجارت، فروش به واسطه افزایش نرخ کالا یا سود به علاوه قیمت تمام شده (مراجعه) می‌باشند. یکی از ابزارهایی که به طور گسترده در تأمین مالی کوتاه مدت به کار می‌رود، تأمین مالی خرید است. در واقع، سرمایه‌گذار برای عرضه کالاها و اجناس خاص در یک قرارداد مورد قبول دو طرف شرکت می‌کند تا مجدداً به مشتری بفروشد و تبدیل به نقد کند. حدود ۷۵ درصد معاملات مالی اسلامی فروش به صورت سود به علاوه قیمت تمام شده است.

اجاره: حدود ۱۰ درصد از معاملات مالیه اسلامی به صورت اجاره می‌باشد. این ابزار برای تأمین مالی وسایل نقلیه، ماشین‌آلات، تجهیزات و خدمات هوایی و... ایجاد شده است. گونه‌های مختلفی از اجاره قابل تحقق است که شامل اجاره مشروط به پرداخت جزیی از اقساط در خرید نهایی می‌باشد (انتقال مالکیت به موجر)^۴.

مشارکت در سود (مضاربه): مدیران، منابع سرمایه‌گذاری را به صورت مجموعه‌ای از منابع مختلف نگهداری می‌کنند. مدیر عامل وقتی که برای انجام سرمایه‌گذاری فرصت‌های مناسبی می‌یابد، دارایی را محدود می‌کند. سرمایه در فعالیت‌های تعریف شده وسیعی سرمایه‌گذاری می‌شود و وضعیت مشارکت در سود و ریسک برای هر سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود. ساختار زمانی اکثریت آنها از کوتاه مدت تا میان مدت است و بیشتر با فعالیت‌های تجاری مناسب دارد.

شرکت برابری (مشارکت): این قرارداد کلاسیک Joint Venture (سرمایه‌گذاری مشترک) است که سرمایه‌گذار و شریک می‌توانند در عملیات و سرمایه شامل دارایی‌ها، کارشناسی‌های مدیریتی و فنی، سرمایه در گردش و غیره در بازده و ضرر (ریسک) به نسبت‌هایی که قبلاً توافق کرده‌اند، شریک باشند. اساساً این نوع معامله برای تأمین مالی دارایی‌های ثابت و سرمایه در گردش در دوره‌های میان مدت و بلندمدت بکار رفته است.

قراردادهای فروش: قراردادهای پیش‌فروش با پرداخت موخر در کنار فروش قطعی برای فروش‌هایی است که از اعتبار برخوردار هستند. در فروش با پرداخت موخر، کالا تحویل می‌شود، ولی دریافت وجه تا زمان مورد توافق به تأخیر می‌افتد. پرداخت می‌تواند درازمدت یا به صورت اقساط باشد. با توجه به اینکه هیچ هزینه اضافی برای این تأخیر وجود نخواهد داشت، قرارداد فروش به صورت تحویل موخر هم شبیه قرارداد فوق‌الذکر است، با این تفاوت که تحویل کالا در آینده انجام می‌شود، در حالیکه وجه آن در زمان معامله پرداخت شده است.

خوبی برای جذب سپرده‌های مسلمانان دارند، اما این موسسات فاقد توانایی تکنیکی برای سرمایه‌گذاری به صورت کارآ می‌باشند. بدیهی است که با انتقال خدمات بانک‌های غربی که به صورتی کارآ و به سرعت موجب گسترش ذخایر مالی می‌شود، می‌توان این فاصله را از مسیری قابل قبول در اسلام برطرف کرد. اما این، تقریباً به معنای سود کمتر برای سرمایه‌گذاران بانک‌های اسلامی است که به واسطه‌های دست دوم بدهکارند. البته این

روند بازار

توسعه یافته‌ترین بخش از سیستم مالی، بانکداری اسلامی است. به عنوان مثال، در قانون اساسی ایران و پاکستان سیستم‌های بانکداری به طور کامل باید بر اساس قوانین اسلام و منطبق با آن عمل کنند. در مالزی، اندونزی، مصر، سودان، و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز بانکداری اسلامی به موازات

○ سیستم مالی اسلامی محدود به بانکداری نیست، بلکه تشکیل سرمایه و بازارهای سرمایه و انواع واسطه‌گری‌های مساسی را نیز دربرمی‌گیرد



تهایی و بدون سایر اجزای ضروری برای یک سیستم مالی اسلامی نخواهد توانست دوام یابد. بنابراین، لازم است که قبل از تعیین استراتژی بلندمدت، تعدادی از محدودیت‌ها مشخص شوند:

هنوز یک چارچوب قانونی و مقرراتی برای حمایت از سیستم مالی اسلامی ایجاد نشده است. مقررات موجود بانکداری در کشورهای اسلامی بر پایه مدل‌های بانکداری غربی بنا شده است. همچنین، موسسات مالی اسلامی که در کشورهای غیراسلامی فعالیت دارند، با مشکلاتی در اجرا مواجهند، زیرا قوانین این کشورها با اصول اسلامی منطبق نمی‌باشند. بدیهی است که ایجاد یک چارچوب قانونی و مشاوره‌ای که منجر به آرایه موضوعاتی مشخص درخصوص موسسات اسلامی شود، تکامل بازارهای اسلامی و بازارهای مالی بین‌المللی را موجب خواهد شد.

اگر چه بازارهای سرمایه در کشورهای اسلامی مانند مصر، اردن و پاکستان فعال هستند، ولی این بازارها در انطباق کامل با اصول اسلامی نمی‌باشند و شاید بازارهای سرمایه در ایران و سودان انطباق بیشتری با اصول اسلامی داشته باشند. حتی یک مرکز مالی سازمانیافته در هیچ مقیاسی یافت نمی‌شود که بتواند ادعا کند که بر طبق موازین اسلامی عمل می‌کند. بازار ثانویه برای محصولات کشورهای اسلامی هم بسیار ضعیف و راکد است و بازار پول تقریباً وجود ندارد و اینها همه در حالی است که ابزار مناسب با رشد و ترقی در دسترس نیست و عدم توسعه بازار بین بانکی نیز موضوع دیگری در این خصوص است. در طول سالیان متمادی، بازار ابزارهای سنتی مشابهی را آرایه کرده که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت کامل بوده، ولی هنوز به ابزارهای ضروری برای بلوغ نهایی خود دست نیافته است. به‌منظور جلب مشتری و تسلط بر بازارهای بسیار ضعیف پول و کالا، ابزارهای مدیریت ریسک مورد نیاز است. علاوه بر آن، بازار فاقد ابزارهای ضروری است تا بتواند جایگزینی پایدار را برای تأمین مالی بدهی‌های عمومی مطرح کند.

یک سیستم مالی اسلامی نیازمند یک سری روش‌های محاسباتی واضح و استاندارد نیز می‌باشد. روش‌های غربی هم به لحاظ طبیعت و قراردادهای متفاوت از ابزارهای مالی اسلامی، مناسب این سیستم نیستند. بنابراین، استفاده از روش‌ها و استانداردهای تعریف شده مناسب برای اشاعه اطلاعات، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، شفاف‌سازی و نظارت ضروری است. این استانداردها برای پیوستن بازارهای مالی اسلامی و بازارهای بین‌المللی نیز ضرورت دارد. به‌علاوه، موسسات اسلامی برای مدیریت منابع و تحلیل آن بر اساس اصول مالی اسلامی و آرایه راه‌حل‌های نوین، از پرسنل آموزش‌دیده‌ای بهره‌مند نمی‌باشند و تنها عده محدودی از

روند درحال تغییر است و بانک‌های اسلامی هم به‌تدریج وارد بازارهای جهانی می‌شوند. از سوی دیگر، بانک‌های غربی هم با در نظر گرفتن پتانسیل بازارهای اسلامی، می‌کوشند تا به‌طور مستقیم به سرمایه‌گذاران دسترسی داشته باشند و واسطه‌های بانک‌های اسلامی یا خدمات بانکی اسلامی در کشورهای اسلامی را حذف کنند.

باید توجه داشت که منابع در اسلام سه نوع است: دارایی، کالا و اجاره. منابع دارایی که بیشترین سهم منابع مالی بازار اسلامی را به‌خود اختصاص می‌دهد، مانند شرکت‌های سرمایه‌گذاری است، اما با تأثیر از احکام اسلام، نیازمند به یک روند «تصفیه» هماهنگ است تا سهم مناسب خود را به دست آورد. در واقع، سرمایه‌گذار بررسی می‌کند که در روند تصفیه نوع و ساختار سرمایه و عملیات هر بنگاه منطبق با قوانین اسلام باشد و شرکت‌هایی را که فعالیت‌های حرام (ربا) انجام می‌دهند، حذف می‌کند. بدین ترتیب، شرکت‌هایی برجای خواهند ماند که وام آنها در سطح ۱۰ درصد یا کمتر کل سرمایه‌شان باشد، زیرا قرض یک بخش دایمی از ساختار سرمایه بحساب نمی‌آید.

رویه‌رفته، آینده منابع دارایی اسلامی روشن است، زیرا در کشورهای اسلامی مانند مصر و اردن و حتی در کشورهای پیشرفته‌ای مانند مالزی و اندونزی یک موج خصوصی‌سازی ایجاد شده است و تقاضا برای عملیات مالی اسلامی به‌سرعت درحال رشد است.

همانطور که اشاره شد، منابع کالایی و اجاره هم سایر شکل‌های منابع مالی اسلامی هستند. منابع کالایی بر روی فلزات اساسی و منابع اجاره بر روی اتومبیل، تجهیزات، اجاره خطوط هوایی و گواهی صدور کالاهای قابل تجارت که منابع آن بر اساس قرارداد اجاره بازمی‌گردد، سرمایه‌گذاری مشترک می‌کنند.

موسسات منطقه‌ای و بین‌المللی درحال کار بر روی مالیه اسلامی هستند و به‌منظور تأمین مالی پروژه‌ها در اندیشه معرفی اجزای آن می‌باشند. در خاورمیانه و پاکستان به‌منظور انطباق با اصول اسلامی همکاری‌های بین‌المللی صورت گرفته و تعریف اجزای مالیه اسلامی در دست مطالعه است. در همین راستا، اجزای ساده‌ای مانند پیش‌قرارداد درحال آزمایش است، زیرا اساس آن شبیه به قرارداد پیش‌فروش می‌باشد. روش مناسب دیگر تأمین مالی پروژه است که بر مشارکت دارایی تأکید دارد. تجربه موفق مالزی یک عملکرد مثبت در این زمینه بشمار می‌رود که در درازمدت ایجاد و توسعه صنایع را به‌دنبال داشته است.

بحث‌ها و نتایج

درحال حاضر، بازارهای مالی اسلامی بسیار کمتر از پتانسیل خود عمل می‌کنند، زیرا بانکداری اسلامی به

○ استفاده از روش‌ها و استانداردهای تعریف شده مناسب برای اشاعه اطلاعات، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، شفاف‌سازی و نظارت ضروری است تا بدین ترتیب، سازارهای مالی اسلامی به بازارهای بین‌المللی پیوندند.

برای دستیابی به بازار، تبدیل به نقد و نقدینگی در بازارهای مالی اسلامی از جمله این شرطهای عمده هستند، زیرا عملیات جاری بازار، فاقد نقدینگی کافی برای تولید محصولات، بازارهای ثانویه و مهمتر، ابزارهایی برای مدیریت داراییها و بدهیها می باشد. با توسعه امنیت در سیستم مالی اسلامی، مشتریها به عنوان سرمایه گذاران موسسه ها و کسانی که به ساختارهای خارجی دسترسی دارند و به سوی آنها جذب شده اند، رشد خواهند کرد. انتخاب دیگر کاربرد مالیه اسلامی، مالیه خرد است. مالیه اسلامی مشارکت در ریسک را توسعه بخشیده و اشاعه اش در بین مردم فقیر می تواند به عنوان یک ابزار موثر در توسعه تلقی شود.

یک سیستم مالی اسلامی با تجهیز ذخیره های راکد که به طور عمد از مسیرهای مالی سود ده دور مانده اند، و نیز با تسهیل توسعه بازارهای سرمایه، می تواند در توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی نقش حیاتی داشته باشد. بسدیهی است که توسعه چنین سیستم هایی، پس اندازکنندگان و وام گیرندگان را قادر خواهد ساخت تا ابزارهای مالی را به نحوی انتخاب کنند که با نیازهای تجاری، ارزش های اجتماعی و عقاید مذهبی شان هماهنگ باشد.

یادداشت ها

۱) کتاب و سنت دو عامل در شناخت و فهم دینی از نظر اهل سنت است، اما در مکتب شیعه علاوه بر این دو عامل، عقل و اجماع نیز در شناخت و فهم دینی بکار می روند (مترجم).

۲) منظور همان اجاره به شرط تملیک است (مترجم).

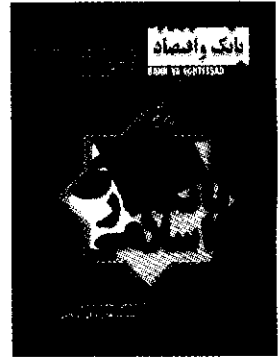
3) Islamic Windows

مؤسسات از عهده آموزش پرسنل و بکارگیری منابع در توسعه روشها برآمده اند.

اصول مذهبی مورد استفاده کشورهای اسلامی فاقد یک شکل واحد است. چون یک مرکز مذهبی مورد پذیرش همه بانکهای اسلامی وجود ندارد، لذا بانکها برداشت های خود را به مثابه دستورالعمل ارایه می کنند. بانکهای اسلامی می بایست با شخصیت های مذهبی ذریع یا مشاوران دینی مشورت کنند تا به جنبه های اجرایی هر ابزار جدید دسترسی پیدا کنند. اختلاف در تفسیر اصول اسلامی توسط متفکران دینی به معنای این است که شناخت ابزارهای مالی توسط یک مرجع پذیرفته شده و توسط دیگری مردود است. در عین حال، ممکن است همین ابزار در هیچ کشوری پذیرفته نباشد. بدیهی است که با ایجاد یک شورای واحد به نمایندگی مراجع مختلف فکری، به منظور تعریف قوانین مطلوب و پیشبرد روند تعریف روش های جدید، این مشکل قابل حل است.

جهتگیری های آینده

در سیستم مالی اسلامی، افزایش رشد و توسعه، به طور عمد، به طبیعت نوآوری های تعریف شده در بازار بستگی خواهد داشت. نیاز فعلی، همانا گسترش منابع مالی و انسانی برای توسعه ابزارها به منظور ایجاد نقدینگی، توسعه بازارهای ثانویه پول، بازارهای بین بانکی، اجرای مدیریت دارایی - بدهی و ریسک و معرفی ابزارهای مالی عمومی می باشد. سیستم مالی اسلامی می تواند در سطح خرد جایگزین هایی را پیشنهاد کند. حرکت در مسیر صحیح نیازمند امنیت مالی است و طی کردن این مرحله نیز به مهارت نیاز دارد. دورنمای امنیت مالی، روند قبض و بسط داراییها



جعاله در بانکداری اسلامی

تحلیل حقوقی دستورالعمل اجرایی جعاله و توضیح برخی موارد کاربرد آن

رسول مظاهری کوهانستانی، عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه اصفهان و دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس

تعمیر ساختمانها را می توانند در قالب جعاله انجام دهند. در این مقاله تلاش می کنیم تا نمای روشن از آنچه را که در بانکهای اسلامی در قالب جعاله انجام می شود یا می تواند انجام شود، ارایه دهیم. ولی ابتدا لازم است نگاهی به مواد دستورالعمل اجرایی جعاله بیندازیم و نکاتی را که به ذهن می رسد، گوشزد کنیم.

مقدمه

هر کاری که از نظر عقلا خردمندانه و دارای ارزش باشد، می تواند موضوع جعاله قرار گیرد. از این رو، بانکها بسیاری از خدمات خود از جمله گشایش اعتبار اسنادی، فروش سهام، ضمانت نامه های بانکی، احداث و

○ تنظیم کنندگان دستورالعملها و نمونه قراردادهای باید از سه کار بردن تعبیرهایی که نشانه جدی بودن قرارداد است، سه شدت اجتناب کنند.